

ترجمه و نقد مقاله «حسین بن علی» در ویراست سوم دایرةالمعارف اسلام چاپ بریل (EI3)

محمد تقوی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

چکیده

مقاله «حسین بن علی» در ویرایش سوم دایرةالمعارف اسلام (Encyclopedia of Islam) چاپ بریل به قلم نجم حیدر نگاشته شده است. حیدر این مدخل را با تأکید بر قیام عاشورا نوشته است و به سایر وجوه و مراحل زندگانی امام حسین علیه السلام به طور بسیار مختصر پرداخته یا اصلاً ذکری از آن به میان نیاورده است. در مقاله حاضر ضمن ترجمه، به نقد و ارزیابی محتوای این مقاله توجه شده است. این بررسی نشان داد که برخی از گزاره‌های مقاله «حسین بن علی» از حیث اعتبار تاریخی محل تردید جدی است و حیدر نیز احتمالاً بر اساس همین روایت‌ها، برداشت نادرستی از برخی وجوه شخصیتی امام حسین علیه السلام ارائه کرده است. همچنین توجه نویسنده به قیام عاشورا سبب شده تا او از سایر وجوه زندگی امام حسین علیه السلام همچون ادعای حضور ایشان در فتوحات دوره عثمان، ازدواج با شهربانو و مانند اینها غافل شود. **کلیدواژه‌ها:** حسین بن علی، دایرةالمعارف اسلام، عاشورا، مطالعات اسلامی در غرب، نجم حیدر.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. m.taqavi93@ut.ac.ir

نجم حیدر از اسلام پژوهان معاصر است که در زمینه تشیع فعالیت می‌کند. نخستین کتاب او با عنوان خاستگاه‌های شیعه...^۱ در سال ۲۰۱۱ از سوی دانشگاه کمبریج به چاپ رسید. کتاب دیگر او نیز با عنوان اسلام شیعی^۲ در سال ۲۰۱۴ از سوی همان ناشر منتشر شد. او در این کتاب، به بررسی تشیع اسماعیلی، زیدی و دوازده امامی پرداخته است. علاوه بر اینها، مقالات متعددی در حوزه تاریخ تشیع، صدر اسلام و تاریخ‌نگاری اسلامی نیز به رشته تحریر درآورده است.^۳

دایرةالمعارف اسلام چاپ بریل مهم‌ترین دانشنامه غربی در حوزه مطالعات اسلامی است که تاکنون سه ویراست آن منتشر شده و نویسندگان آن، عموماً در زمره برجسته‌ترین محققان حوزه مطالعات اسلامی در غرب به‌شمار می‌روند. ویرایش اول آن با بیش از نه هزار مقاله، عنوانی فرعی داشت که انتشارات بریل لیدن و اتوهاراسویتس لایپزیگ آلمان در چهار جلد اصلی (۱۹۱۳-۱۹۳۶ / ۱۲۹۲-۱۳۱۵ ش) و یک جلد تکمله (۱۳۱۷/۱۹۳۸ ش) هم زمان به زبان‌های آلمانی، فرانسه و انگلیسی چاپ و منتشر کردند. همه مؤلفان ویرایش اول اروپایی غیرمسلمان بودند. تألیف ویرایش دوم، با عنوان ویرایش جدید و بدون عنوان فرعی، فقط به زبان‌های انگلیسی و فرانسه، از ۱۳۳۳/۱۹۵۴ ش شروع شد و انتشار کامل آن حدود ۴۰ سال به طول انجامید و در تألیف آن، ترکیبی از مؤلفان اروپایی و آمریکایی غیرمسلمان، ایرانی، عرب، ترک، هندی و پاکستانی مسلمان حضور داشتند. ویرایش سوم این دایرةالمعارف از ۲۰۰۷/۱۳۸۶ ش آغاز شده و هر سال چهار جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای از آن با تمرکز بر مطالعه اسلام در قرن چهاردهم/ بیستم، به‌ویژه مناطق کمتر شناخته شده مثل آسیای جنوب شرقی و صحرای افریقا و با توجه ویژه به مسائل اقلیت‌های مسلمان در همه کشورهای غیرمسلمان، منتشر می‌شود (عدالت‌نژاد،



1. *The Origins of the Shi'a: Identity, Ritual, and Sacred Space in 8th century Kūfa.*

برای معرفی و نقد مختصر این کتاب، نک. سعید عدالت‌نژاد، «خاستگاه‌های شیعه: هویت، مناسک و مکان‌های مقدس در کوفه قرن دوم / هشتم»، نقد کتاب اسلام و ایران، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۲-۱.

2. *Shi'ī Islam.*

۳. برای آگاهی از مقالات او، نک. <http://www.najamhaider.com>.

۱۳۹۳: ذیل «دایره المعارف اسلام».

مدخل «حسین بن علی» که در ویرایش سوم دایرةالمعارف اسلام به قلم نجم حیدر نوشته شده؛ در ویرایش دوم به قلم وچا والیری^۱ با حجمی به مراتب بیشتر نسبت به ویرایش سوم نوشته شده بود. مقاله نجم حیدر حجمی نزدیک به ۳۵۰۰ کلمه و دو بخش دارد. بخش اول به طور مختصر به زندگانی حسین بن علی اختصاص یافته و در بخش دوم به قیام عاشورا پرداخته شده است که قسمت اصلی مدخل را شامل می شود. در مقاله حاضر، ابتدا ترجمه فارسی مدخل «حسین بن علی» در ویرایش سوم دایرةالمعارف اسلام خواهد آمد و سپس مواردی در نقد و تکمیل مطالب مذکور بیان خواهد شد. گفتنی است در نقد تاریخی روایت ها، مبنای پذیرفتن یا نپذیرفتن یک روایت، سنجش وثاقت تاریخی آنهاست نه انطباق آن با آراء کلامی.

ترجمه فارسی مدخل «حسین بن علی»

«ابوعبدالله حسین بن علی بن ابی طالب یکی از دو پسر فاطمه (متوفای ۱۱ق) دختر محمد که تا بزرگسالی زنده بود و سومین امام شیعیان دوازده امامی. او در سال چهارم هجری در مدینه به دنیا آمد (یک سال بعد از تولد برادرش حسن «متوفای ۵ق») و در ۵۷ سالگی در دهم محرم (عاشورا) سال ۶۱ق در کربلا طی نبرد با سپاه اموی به شهادت رسید (این مقاله به بیان خلاصه زندگینامه حسین بن علی با تأکید بر شهادت او می پردازد. برای تفصیل در این باره نک. مقالات والیری و مادلونگ که در پایان مقاله ذکر شده است).

۱. زندگانی حسین بن علی

او در مدینه در خانه فاطمه و علی بن ابیطالب (متوفای ۴ق) متولد و بزرگ شد. اگرچه او در زمان رحلت پیامبر در سال ۱۱ق تنها شش سال داشت، اما همچون برادرش حسن، بسیار محبوب پیامبر بود. طبق روایات، محمد به آنها اجازه می داد که از پشت و شانه های او به هنگام نماز بالا بروند. در روایتی مشهور، پیامبر چنین گفته است: «حسین

1. Veccia Vaglieri.

مئی و أنا من حسین». در روایتی دیگر، او حسن و حسین را «سیدا شباب اهل الجنه» نامیده است (مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۷-۱۹۸، ۲۴۹). در موارد مختلف، پیامبر از شهادت حسین در کربلا سخن گفته است (احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۵۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۰). برای مثال، او بطری کوچکی از خاک به ام سلمه (متوفای ۶۰ق) داد و از خون آبه شدن آن بعد از مرگ حسین سخن گفت (این روایات در منابع شیعی و غیرشیعی آمده است: یعقوبی، ۱۹۸۰: ۱۵۹/۲؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۵۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۰-۲۵۱؛ سبط بن جوزی، ۲۰۱۳: ۲۶۸/۵-۲۶۹).

جایگاه حسین همواره در ارتباط با خانواده اوست. براساس بیشتر تفاسیر شیعی، اصطلاح «اهل البیت» در قرآن (آیه ۳۳ سوره احزاب) تنها به پنج نفر اشاره دارد (محمد، فاطمه، علی، حسن، حسین) که خداوند آنها را از گناه دور نگاه داشت و بالاتر از سایر انسان‌ها قرار داد. همچنین این خانواده براساس نقش‌شان در داستان مباحله (نفرین متقابل) با مسیحیان نجران (سال دهم هجری) و ارتباط آن با حدیث مشهور کساء شناخته می‌شوند. در واقع یک دسته‌بندی کلی از روایات مربوط به خصایص اهل بیت وجود دارد (درباره این دسته‌بندی‌ها، نک. مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۷-۱۹۹؛ نجم حیدر، ۲۰۱۴: ۵۴-۶۵).

حسن و حسین تنها فرزندان ذکور از نسل پیامبرند که به سن بزرگسالی رسیدند. این بدان معناست که هر شخص دیگری که می‌خواست ادعای هم‌تباری با پیامبر را داشته باشد، می‌بایست از نسل حسن یا حسین می‌بود. این ویژگی، آنها را از برادران ناتنی‌شان (مانند محمد بن حنفیه «متوفای ۸۱ق») که رابطه خونی با پیامبر نداشت (متمایز می‌ساخت).

گاهی در روایت‌های تاریخی قبل از سال ۴۰ق از حسین نام برده شده است. با وجود این، او در حوادث مهمی چون محاصره خانه عثمان بن عفان (حک. ۲۳-۳۵) در سال ۳۵ در مدینه و جنگ صفین در سال ۳۷ق نقش فرعی داشت. این وضعیت بعد از کشته شدن علی بن ابی‌طالب تغییر کرد؛ به طور مثال می‌توان به نقش او در منازعه حسن بن علی با معاویه بن ابی‌سفیان، نخستین خلیفه اموی (۴۱-۶۰ق) بر سر حفظ امنیت

شهر کوفه اشاره کرد. او مخالف تصمیم برادرش حسن مبنی بر صلح با معاویه بود که در ازای دریافت مبلغی قابل توجه خلافت معاویه را می پذیرفت. همچنین براساس این توافق، قرار شد تا خلافت بعد از معاویه به حسن و سپس به حسین برسد (احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۵۵-۳۵۶). منابع مخالف، این توافق را فروش خلافت و منابع موافق، آن را به دلیل خیانت و وفادار نبودن پیروان کوفی حسن می دانند. این مخالفت حسین با توافق نامه مذکور، با توصیفاتی که از تندخو بودن او در قیاس با تمایلات صلح جویانه حسن وجود دارد سازگار است.

حسین طی سال های بعد، مکرراً با درخواست های کوفیان مواجه می شد که در رأس ایشان، حجر بن عدی (متوفای ۵۱ق) بود. حجر بن عدی خواستار مخالفت حسین با صلح نامه و شورش علیه معاویه بود. حسین قاطعانه به این درخواست ها پاسخ منفی می داد و حتی بعد از شهادت برادرش در سال ۵۰ق، به صلح نامه پایبند ماند (درباره این داستان ها، نک. بلاذری، ۱۹۹۶: ۲/۴۵۶-۴۶۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۰. برای فعل و انفعالات میان حسین و حکومت اموی در دوره خلافت معاویه، نک. مادلونگ، ۲۰۰۴: «حسین بن علی»).

۲. کربلا و شهادت حسین

بخش باقیمانده این مقاله به وقایع منجر به شهادت حسین بر پایه منابع کهن شیعی و غیرشیعی اختصاص دارد و بخش های برگرفته از یک روایت قبیله ای خاص مشخص شده است.

معاویه بن ابی سفیان سال ۶۰ق در دمشق بدون بیعت گرفتن برای فرزندش یزید از مردم حجاز از دنیا رفت. یزید که از جایگاه متزلزل خود آگاه بود، طی نامه ای به ولید بن عتبه (متوفای ۶۴ق) حاکم مدینه، از او خواست تا فوراً از مردم بیعت بگیرد. او امید داشت تا پیش از رسیدن خبر مرگ معاویه به مدینه، این شهر را تحت سلطه خود بگیرد. نگرانی یزید به طور خاص از جانب عبدالله بن زبیر (متوفای ۷۳ق) و حسین بن علی بود که پیشتر بیعت شکنی کرده بودند.

ابن زبیر خیلی زود از مدینه به مکه رفت تا از دست افراد ولید بن عقبه که قصد بازگرداندن او را داشتند دور بماند. حسین بن علی حاضر به بیعت در خفا نشد و تمایل داشت این کار را تنها با همراهی اکثریت مردم شهر انجام دهد. ولید او را بیش از این تحت فشار قرار نداد؛ برخلاف نظر مروان بن حکم (حک. ۶۴-۶۵) که معتقد بود باید با تهدید حسین به مرگ و زندانی شدن، از وی بیعت گرفت. اندکی بعد از این ملاقات، حسین همچون ابن زبیر، همراه با خانواده و جمعی از یاران نزدیکش به مکه رفت (درباره این وقایع، نک. دینوری، ۱۹۶۰: ۲۲۸-۲۲۹؛ یعقوبی، ۱۹۸۰: ۱۵۴/۲-۱۵۵؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۵۷-۳۶۰؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۹۹-۲۰۲).

حسین در مدینه به طور پیوسته نامه‌هایی از مردم کوفه دریافت می‌کرد که ضمن حمایت گسترده از او، خواهان آمدنش به این شهر بودند. آنها با اظهار تأسف از نداشتن رهبر (امام)، حسین را تنها مرد شایسته این مقام می‌دانستند. حسین در پاسخ، شماری را به رهبری پسرعمویش مسلم بن عقیل بن ابی طالب (متوفای ۶۰) برای آگاهی از اوضاع به کوفه فرستاد. مسلم مأموریت داشت تا در صورت مناسب بودن شرایط، به حسین اطلاع دهد تا به کوفه برود (در این باره، نک. بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۶۳/۲-۴۶۴؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۳۰؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۶۱؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۹۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۲-۲۰۵).

مسلم در ابتدا موفقیت قابل توجهی در کوفه کسب کرد. او همراه با هانی بن عروه (متوفای ۶۰ ق) برای حفظ بیعت هزاران نفر از کوفیان تلاش می‌کرد. گزارش اقدامات مسلم به نعمان بن بشیر (متوفای ۶۵ ق)، حاکم اموی کوفه رسید که قاطعیتی در سرکوب شورش‌های مخالف نداشت (احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۶۱-۳۶۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۵-۲۰۶). وقتی که یزید از این وضعیت آگاه شد، عبیدالله بن زیاد (متوفای ۶۷ ق) را که حاکم بصره نیز بود، جایگزین نعمان کرد.

بر اساس بیشتر روایت‌ها، ابن زیاد به صورت پنهانی وارد کوفه شد و در ابتدا گمان شد که او حسین است. او از وضعیت موجود نگران بود و در قصر حاکم شهر اقامت گزید؛ جایی که فعالیت‌های نظام‌مند خود را علیه تلاش‌های مسلم پایه‌ریزی کرد. منابع غالباً اقدامات ارباب‌امیزان زیاد را با بی‌میلی مسلم به انجام اقدام قاطعانه مقایسه می‌کنند.

در روایتی قابل توجه، مسلم به دلیل تمرکز بر افزایش حامیان خود در کوفه، فرصت کشتن ابن زیاد و به دست گرفتن اوضاع را از دست داد (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۳۴-۳۳۵؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۱۰۱-۱۰۲). سرانجام ابن زیاد از حمایت نخبگان قبایل اطمینان خاطریافت. همین نخبگان در ادامه، مانع حمایت افراد قبایل خود از مسلم شدند. مسلم به سرعت دستگیر و در نهم ذی الحجه سال ۶۰ کشته شد (درباره برخوردهای میان ابن زیاد و مسلم، نک. دینوری، ۱۹۶۰: ۲۳۴-۲۴۲؛ یعقوبی، ۱۹۸۰: ۲/۱۵۵-۱۵۶؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۶۲-۳۶۵؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۹۹-۱۰۹، مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۵-۲۱۶).

حسین بن علی در مکه، نخستین گزارش‌های مثبت از جانب مسلم را دریافت کرد و تصمیم رفتن به کوفه گرفت. منابع به افراد برجسته متعددی اشاره دارد که به حسین اصرار می‌کردند در حجاز بماند. محمد بن حنفیه که در مدینه بود، به حسین توصیه کرد پیش از رفتن به عراق، پشتوانه حمایتی مکه را استوار سازد. توصیه‌هایی مشابه نیز از سوی عبدالله بن عمر (متوفای ۷۳ق) و عبدالله بن عباس (متوفای ۶۸ق) شد. به ویژه عبدالله بن عباس که شدیداً اصرار داشت مردم کوفه در زمانی که علی و حسن به آنها نیاز شدید داشتند آنها را تنها گذاشتند. او معتقد بود که حسین باید به یمن برود یا اینکه زنان و کودکان را در سفر به عراق همراه خود نکنند. در روایتی مشهور، حسین از فرزندق شاعر (متوفای ۱۱۰ یا ۱۱۲ق) درباره کوفیان پرسید و گفته‌اند که او در پاسخ گفت: «قلب‌هایشان با توست ولی شمشیرهایشان علیه تو» (در این باره و روایت‌های مشابه، نک. بلاذری، ۱۹۹۶: ۲/۴۶۶-۴۶۹؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۴۳-۲۴۵؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۱۱۰؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۸).

با وجود این هشدارها، حسین در هشتم ذی الحجه سال ۶۰ از مکه همراه با بیشتر اعضای خانواده حرکت کرد. او از اوضاع رو به وخامت کوفه بی‌اطلاع بود؛ جایی که ابن زیاد کنترل شهر را به دست گرفته و اقدامات نظامی برای مقابله با علویان را آغاز کرده بود. حسین از قبایل بین راه از این تحولات آگاه شد و خبر کشته شدن مسلم را نیز دریافت کرد. در اینجا او قصد بازگشت به مکه را داشت اما خویشاوندان مسلم که قصد انتقام‌گیری داشتند مانع شدند (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۴۷؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۲۲).

سواره نظام های تحت رهبری حربین یزید ریاحی (متوفای ۶۱ق) اولین گروه از دشمنان بودند که با حسین برخورد کردند. بعد از رویارویی مختصری، حسین قاطعانه درخواست حربین یزید را مبنی بر اینکه همراه با او نزد ابن زیاد در کوفه برود رد کرد. هنگامی که هر دو گروه همراه با هم به نماز ایستادند، حسین فرصت را مغتنم شمرد و جایگاه خود را شرح داد و از کوفیان خواست تا به نامه های خود پایبند باشند و او را علیه امویان حمایت کنند. حسین در میان بهت حربین یزید که مدعی بود نه او و نه سربازانش نامه ای به حسین نفرستاده اند، خورجین های حاوی نامه های مردم کوفه را نشان داد. این وضعیت بن بست گونه تا لحظاتی ادامه یافت و رجزهای خصمانه میان دو طرف شدت یافت. حر مانع از بازگشت حسین به مدینه و یا ادامه حرکتش به سمت کوفه شد و به زیر نظر گرفتن کارهای او ادامه داد. او در ادامه، به دستور ابن زیاد کاروان حسین را متوقف و آنها را مجبور ساخت تا در منطقه ای صحرائی که فاقد آب بود، اقامت کنند. در اینجا، زهیر بن قین (متوفای ۶۱ق) به حسین توصیه کرد تا پیش از رسیدن نیروی کمکی، با دشمن درگیر شوند. با وجود این، حسین نپذیرفت که آغازگر حمله باشد و به ناچار از دوم محرم سال ۶۱ق در کربلا، در حوالی شهر نینوا، اردو زد (درباره کشمکش های میان حسین و حر، نک. بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۷۲/۲-۴۷۷؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۴۹-۲۵۱؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۶۶-۳۶۷؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۱۱۱-۱۱۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۲۳-۲۲۷).

روز بعد، سپاه بزرگتری به رهبری عمر بن سعد بن ابی وقاص (متوفای ۶۶ق) به سپاه حر پیوست. عمر بن سعد در ابتدا قرار بود به حوالی ری برود (بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۷۸/۲). او تمایلی به اقدامات خصمانه نداشت و می خواست باب مذاکره با حسین را باز کند. بر اساس بیشتر منابع، حسین سه پیشنهاد ارائه داد: بگذارند به حجاز برگردد، نزد یزید برود و شخصاً با وی بیعت کند و یا اینکه به یکی از مرزهای اسلام برود و با دشمنان اسلام بجنگد (ابن قتیبه، ۱۹۵۱: ۱۱/۲؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۸۲/۲؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۱۱۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۲۹-۲۳۰؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۳۳۶/۵؛ سبط بن جوزی، ۲۰۱۳: ۲۶۵/۵). به گفته منابع، ابن زیاد ترجیح می داد این شرایط را پیش از مداخله شمر بن ذی الجوشن (متوفای ۶۶ق) بپذیرد. شمر معتقد بود هر چیزی جز تسلیم کامل حسین، نشانه ضعف

این زیاد خواهد بود. ابن زیاد که از این استدلال شمر قانع شده بود، پیشنهاد حسین را رد کرد و به ابن زیاد دستور محاصره کامل داد. او همچنین دستور داد تا آب را بر حسین ببندند، مشابه آنچه در جریان محاصره خانه عثمان اتفاق افتاده بود (بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۸۱/۲؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۵؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۳۳۶/۵). شمر مأمور بود تا در صورت سرپیچی عمر بن سعد از دستورات، او را بکشد و خود فرمانده سپاهیان شود (در این باره، نک. بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۸۲/۲-۴۸۷؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۳-۲۵۶؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۶۷-۳۶۸؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۱۱۲-۱۱۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۲۷-۲۳۰؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۳۳۶/۵-۳۳۷).

دستور بسته شدن آب بر همراهان حسین از هفتم محرم ۶۰ق اجرایی شد (بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۸۱/۲-۴۸۲؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۵؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۶۸-۳۶۹). طبق برخی روایات، عباس بن علی (متوفای ۶۱ق) برادر کوچک تر حسین، همراه با عده اندکی برای آب کردن مشک ها رفت ولی این اقدام تأثیر زیادی در بهبود اوضاع سپاه حسین نداشت (احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۶۹؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۱۱۷). حسین پیش از حملات دشمن در دهم محرم، یک شب را برای عبادت مهلت خواست. عموماً این شب را شب نماز و عبادت دانسته اند. حسین مکرراً به پیروانش توصیه می کرد با استفاده از تاریکی شب، آنجا را ترک کنند، اما آنها راسخ و وفادار نزد او باقی ماندند. طبق برخی روایات، حسین در عالم رویا پیامبر را می بیند که خبر از شهادت او می دهد. همچنین حسین خواهرش زینب بنت علی (متوفای ۶۲ق) و فرزند بیمارش علی بن حسین (متوفای ۹۴ یا ۹۵؛ امام بعدی شیعیان دوازده امامی) را به تحمل سختی های پیش رو فراخواند (درباره بسته شدن آب و شب پیش از جنگ، نک. بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۸۴/۲-۴۸۶؛ یعقوبی، ۱۹۸۰: ۱۵۷/۲-۱۵۸؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۶۹-۳۷۱؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۱۱۴-۱۱۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۲۷-۲۳۰؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۳۳۷/۵-۳۳۹).

حسین در صبح عاشورا (دهم محرم ۶۱ق) خیمه های خود را نزدیک به هم قرار داد، پشت آنها خندقی حفر کرد و آتشی به پا ساخت تا مانع هجوم دشمن از پشت سر شود. او سپاه دشمن، به ویژه کوفیانی که او را به شهرشان فراخوانده بودند مورد خطاب قرار داد.

این کار او تأثیر چندانی نداشت، هرچند حربن یزید پیش از شروع جنگ به سپاه حسین پیوست و در رکاب او کشته شد (بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۸۹/۲؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۳۵). منابع بعدی، روایت‌های مفصلی از نطق حسین در شرح اصل و نسب هاشمی خود که نسل خونی از پیامبر به حساب می‌آید ارائه کرده‌اند. در منابع متقدم، بسیاری از این مطالب از زبان یاران حسین نقل شده است (یعقوبی، ۱۹۸۰: ۱۵۸/۲؛ قس. مفید، ۱۴۱۳: ۲۳۴-۲۳۵؛ سبط بن جوزی، ۲۰۱۳: ۲۷۱/۵).

در این جنگ نبردهایی میان ۷۲ یار حسین و سپاه عظیم اموی رخ داد. گزارش‌هایی از نبردهای تن به تن و گروهی در دست است. منابع کشته شدن افراد مهم، به ویژه خانواده حسین را گزارش کرده‌اند؛ افرادی چون پسر بزرگ او علی بن حسین الاکبر، طفل شیرخوار او عبدالله بن حسین، برادر و پرچم‌دار او عباس بن علی و برادرزاده‌های او (بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۹۲/۲-۴۹۸؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶-۲۵۷؛ یعقوبی، ۱۹۸۰: ۱۵۸/۲؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۷۴-۳۷۵؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۹۴-۹۵، ۱۱۴-۱۱۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۳۶-۲۴۰؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۳۳۹/۵-۳۴۰). اواخر بعد از ظهر، تنها حسین مانده بود و در محاصره دشمن قرار گرفت. تردیدهایی وجود داشت که چه کسی ضربه نهایی را بر پیکر حسین وارد کند. بسیاری از منابع، سنان بن انس بن عمرو نخعی (متوفای ۶۶ق) را قاتل حسین دانسته‌اند؛ هم‌بود که سر حسین را هم جدا کرد و آن را به خولی بن یزید اصبیحی داد تا به کوفه نزد ابن زیاد ببرد (درباره کشته شدن حسین، نک. بلاذری، ۱۹۹۶: ۴۹۹/۲-۵۰۱؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۸؛ یعقوبی، ۱۹۸۰: ۱۵۸/۲؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۷۲/۳۷۳؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۱۱۸؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۲؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۳۴۱/۵؛ سبط بن جوزی، ۲۰۱۳: ۲۷۶/۵).

پیامدهای این جنگ، از محدوده مقاله حاضر خارج است. تنها ذکر همین نکته کافی است که بقایا و سرهای ۷۲ کشته سپاه حسین، پیش از آنکه نزد یزید بن معاویه که از بروز چنین جنایت‌هایی پشیمان بود فرستاده شود، نزد ابن زیاد برده شد و او رفتار تحقیرآمیزی با این کشته‌شدگان داشت (بلاذری، ۱۹۹۶: ۵۰۷/۲-۵۰۸؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۶۱؛ اصفهانی، ۱۹۴۹: ۱۹۹-۱۲۰؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۵-۲۴۶؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۳۴۲/۵).

به اعضای باقیمانده خانواده حسین، که علی بن حسین در رأس آنها بود، اجازه داده شد تا به مدینه بازگردند.

به نظر می‌رسد که بعد از واقعه کربلا، پشیمانی زیادی بین مردم کوفه ایجاد شد. بازخورد چنین احساسی در ظهور تواین نمایانگر شد که به رهبری سلیمان بن سرد خزاعی (متوفای ۶۵ق) قیام کردند و به سرعت نیز در سال ۶۵ق سرکوب شدند. مختار بن ابی عبید (متوفای ۶۷ق) هنگامی که در فاصله سال‌های ۶۶ تا ۶۷ق کوفه را در اختیار گرفت، اقدام به کشتن کسانی کرد که در کشتن حسین دخالت داشتند. در شورش‌های علوی بعدی نیز نام حسین مکرراً علیه امویان مورد استفاده قرار گرفت.

بزرگداشت کشته شدن حسین، کمی بعد از واقعه کربلا آغاز شد. این مراسم در شکل نخستین خود، تجمعاتی بود که در آن، مرثیه‌هایی برای وقایع کربلا خوانده می‌شد. کربلا در زمان امام محمدباقر (متوفای ۱۱۷ق) و امام جعفرصادق (متوفای ۱۴۸ق) به محل اصلی زیارتی شیعیان تبدیل شده بود. این موضوع بخشی از فرایند بزرگتری بود که به موجب آن، هویت شیعی با مجموعه‌ای از مراسم‌های متمایز دینی جلوه می‌یافت. منابع شیعی حاوی روایت‌های زیادی است که امام محمدباقر و جعفرصادق زیارت قبر حسین و یارانش را با حج و عمره مقایسه کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۲؛ نجم حیدر، ۲۰۱۶: ۲۴۳-۲۴۷). شیعیان اثنی‌عشری در قرن‌های بعدی دسته‌های عزاداری عمومی راه‌اندازی کردند تا گرامیداشت واقعه کربلا نیازی به سفر به این منطقه و دشواری‌های آن را نداشته باشد. معزالدوله بویه (حک. ۳۳۴-۳۵۶ق) آغازگر این مراسم مهم در بغداد بود.

روایت‌های کربلا در طول زمان دستخوش تغییراتی شد. این روایت‌ها در منابع شیعی مشهود است اما در منابع غیرشیعی نیز دیده می‌شود. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در دوره صفویه (قرن دهم)، روایت‌های کربلا نزد شیعیان دستخوش تحولی بنیادی شد. در این دوره اثری با نام روضه الخوانی با حمایت دولت صفوی نوشته شد. این روایت جدید، برخی از شخصیت‌ها را حذف کرد و عناصر جدیدی همراه با جزئیات فراطبیعی بدان افزود. این کتاب در نسل‌های بعدی اساس تعزیه‌خوانی یا شبیه‌خوانی شد. این

مراسم در جوامع دیگری به جزایران نیز همراه با رسوم محلی اجرا می‌شد. در نیمه دوم قرن بیستم، روایت جدیدی از واقعه کربلا تحت تأثیر گرایش‌های جهان‌سومی ایجاد شد.

نقد و بررسی مقاله

نجم حیدر این مقاله را همانطور که اذعان داشته، با تأکید بر واقعه عاشورا نوشته است و به همین دلیل برخی از وجوه زندگانی حسین بن علی علیه السلام از منظر او پنهان مانده است. از مهمترین مواردی که در این باره می‌توان به آن اشاره کرد، نپرداختن به جریان حضور حسنین در فتوحات دوره عثمان، برخی از اعتراض‌های حسین به عمر دربار استفاده از منبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نقش او در حفاظت از جان عثمان به دستور امام علی علیه السلام در جریان محاصره خانه عثمان است که یا به آنها پرداخته نشده یا اشاره‌ای صرفاً گذرا صورت گرفته است. علاوه بر این، مقاله نجم حیدر از حیث برخی اطلاعات تاریخی و تحلیل‌ها نیازمند تأمل و بررسی بیشتر است که به آنها اشاره خواهد شد.

نجم حیدر در موارد مختلف، به پیش‌بینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا سخن گفته است. برای مثال، در روایتی ایشان بطری کوچکی از خاک به ام سلمه (متوفای ۶۰ق) دادند و از خون آبه شدن آن بعد از مرگ حسین علیه السلام سخن گفتند (این روایات در منابع شیعی و غیرشیعی آمده است: یعقوبی، ۱۹۸۰: ۱۵۹/۲؛ احمد بن ابراهیم، ۲۰۰۲: ۳۵۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۵۰-۲۵۱؛ سبط بن جوزی، ۲۰۱۳: ۲۶۸/۵-۲۶۹). این احادیث معمولاً متأخر و پسینی است و با هدف بیان واقعیت بیان نمی‌شود؛ بلکه می‌خواهد واقعه یا فردی را به شکل مبالغه‌آمیزی ستایش یا منکوب کند. ولی نجم حیدر توجهی به نقد این روایت‌ها ندارد و ظاهراً وثاقت آنها را می‌پذیرد. گفتنی است اهمیت قیام حسین بن علی علیه السلام در گرو پذیرش این روایت‌ها نیست و این روایت‌ها گرچه در ظاهر به نفع شیعیان است، اما ممکن است دستمایه مخالفان نیز قرار گیرد؛ زیرا قیام عاشورا را امری محتوم تلقی کرده و اراده امام علیه السلام را در قیام علیه حکومت ظالم کمزنگ جلوه می‌دهد.

نجم حیدر در ضمن بحث درباره آیه ۳۳ سوره احزاب (مشهور به آیه تطهیر) که در

شأن اهل بیت نازل شده است اذعان دارد که «خداوند آنها را از سایر انسان‌ها بالاتر می‌داند». تفسیری که اگرچه می‌تواند در این باره پذیرفته شود اما در متن آیه به این موضوع مستقیماً اشاره‌ای نشده است. حدیث کسا نیز در رابطه با همین آیه نقل شده است اما نجم حیدر آن را با ماجرای مباحثه مرتبط می‌داند که صحیح به نظر نمی‌رسد.

نجم حیدر در بحث درباره صلح امام حسن علیه السلام با معاویه، مخالفت امام حسین علیه السلام با برادرش را با توصیفاتی که از تندخو بودن حسین علیه السلام در منابع وجود دارد سازگار می‌داند. اما بررسی شواهد تاریخی نشان دهنده نادرستی مدعای نویسنده است. حسین بن علی علیه السلام بعد از شهادت برادرش، حدود ده سال حکومت معاویه را تحمل کرد و حتی در برابر فشار کوفیان فرمود: «إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ مَعَاوِيَةَ عَهْدٌ وَأَعْقَدُ لَا يَجُوزُ لَهُ نَقْضُهُ» (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۳۲، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۸۷). از طرفی اهمیت پایبندی به بیعت نزد امام حسین علیه السلام از آنجا مشخص می‌شود که او در شب عاشورا برای اینکه بیعت را از یاران خود بردارد، آنها را میان رفتن و ماندن در کربلا مختار کرد (طبری، ۱۹۸۸: ۵/۱۸۵). نکته قابل توجه اینکه نجم حیدر در ادامه مقاله به پایبند بودن حسین علیه السلام به صلح نامه برادرش با معاویه اشاره می‌کند که به نوعی نقض کننده سخن پیشین خود است. گفتنی است وچا والیری نیز در ویرایش دوم دایرةالمعارف ذیل مدخل «حسین بن علی»، به مخالفت حسین علیه السلام با مساله صلح برادرش با معاویه اشاره دارد و آنها را ناشی از انگیزه‌های مالی حسین بن علی علیه السلام می‌داند (درباره نقد این روایت‌ها، نک. بیات و عسکر، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۳).

در بحث از ماجرای جانشینی معاویه، نجم حیدر اذعان دارد که معاویه بدون بیعت گرفتن برای یزید از دنیا رفت. این در حالی است که طبق گزارش یعقوبی (۱۹۸۰: ۲/۲۲۸) معاویه برای پسرش یزید به عنوان ولیعهد بیعت گرفت و فقط چهار نفر بیعت نکردند. یزید از ولید بن عتبه خواست تا مخصوصاً از سه نفر بیعت بگیرد: حسین بن علی، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر که اسم آخری در مقاله نجم حیدر نیامده است. نجم حیدر علت بیعت نکردن حسین بن علی علیه السلام با یزید را مخالفت حسین علیه السلام به

بیعت در خفا و تمایل او برای بیعت با یزید در صورت همراهی اکثریت مردم می‌داند. در واقع چنین به نظر می‌رسد که از دیدگاه نجم حیدر، مساله امام حسین علیه السلام برای بیعت نکردن با یزید، همراهی نکردن مردم بود. این در حالی است که امام حسین علیه السلام در اینجا خواسته اصلی ولید را مطرح می‌کند و می‌فرماید شما می‌خواهید از من بیعت بگیرید تا مردم هم با شما بیعت کنند. در واقع امام علیه السلام با علم به اینکه قصد یزید برای بیعت کردن با ایشان، مشروع جلوه دادن حکومتش نزد افکار عمومی است از بیعت با او سرباز می‌زند تا در مشروعیت بخشی به حکومت وی نقشی نداشته باشد. از این رو برداشت نجم حیدر از اینکه امام علیه السلام بیعت خود را منوط به بیعت مردم بداند، نادرست است.

نویسنده در بخشی از مقاله ضمن بحث درباره بیعت مردم کوفه با امام حسین علیه السلام، اذعان دارد که عبدالله بن عباس با یادآوری عهدشکنی مردم کوفه در زمان امام علی و امام حسن علیه السلام به امام حسین علیه السلام، از ایشان می‌خواهد که به جای کوفه، مسیر یمن را در پیش گیرد. قائل شدن چنین نقشی برای ابن عباس در مقام فردی دوران‌دیش، معمولاً تلاشی از سوی مورخان عصر عباسی برای پررنگ جلوه دادن نقش او در تاریخ اسلام به طور مستقیم و اذعان به دوران‌دیشی او نسبت به علویان است. برای مثال، نقش مشابهی برای او در ماجرای حکمیت بعد از جنگ صفین نقل شده است که ابن عباس، حضرت علی علیه السلام را از انتخاب ابوموسی اشعری به عنوان حکم بر حذر می‌دارد اما امام علیه السلام این پیشنهاد را نمی‌پذیرد و در نهایت از نتیجه مذاکرات پشیمان می‌شود (بلاذری، ۱۹۹۶: ۲/۳۰۶). در اینجا هم روایت به گونه‌ای نقل شده است که حوادث بعدی نشان‌دهنده درستی رای ابن عباس و سستی امام حسین علیه السلام (به عنوان نماینده علویان) است که در نهایت پیش‌بینی ابن عباس رقم می‌خورد. گفتنی است عباسیان به دلیل رقابتی که با علویان بر سر مشروعیت‌سازی خلافتشان داشتند، تلاش می‌کردند تا نیاکان خود را در تاریخ، برتر از علویان نشان دهند (در این باره، نک. Berg, 2010: 14-16).

در ادامه بحث درباره بیعت مردم کوفه با امام حسین علیه السلام به روایتی اشاره شده که فرزاد شاعر به امام علیه السلام درباره مردم کوفه می‌گوید: «قلب‌هایشان با توست ولی

شمشیرهایشان علیه تو». وثاقت این روایت نیز محل تردید جدی است. نخست اینکه این روایت از زبان چند نفرو در چند جای مختلف نقل شده است (ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۴۰-۴۲، ۴۴). برای مثال نقل است که امام حسین علیه السلام در مسیر کوفه به جانوری برخورد و این جمله را آن جانور به امام علیه السلام گفت (اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۸). اما مشکل بزرگتر در پذیرش این روایت، آن است که روایت مذکور به نوعی بیانگر آن است که امام حسین علیه السلام را شیعیانش به شهادت رساندند و به این ترتیب از نقش بنی امیه در رقم خوردن این فاجعه تاریخی می‌کاهد.

نجم حیدر در بحث درباره گفت‌وگوی امام حسین علیه السلام و عمر بن سعد در میانه راه به سوی کوفه، بر روایتی تکیه دارد که طبق آن، امام علیه السلام سه پیشنهاد ارائه داد: بگذارند به حجاز برگردد، نزد یزید برود و شخصاً با وی بیعت کند یا اینکه به یکی از مرزهای اسلام برود و با دشمنان اسلام بجنگد. اما در تاریخ طبری به نقل از عقبه بن سمعان آمده است که من تمام مدت را با حسین بودم و آنچه مردم می‌پندارند که حسین گفته است اجازه دهید دست در دست یزید قرار دهم یا به یکی از نقاط مرزی بروم، صحیح نیست. تنها چیزی که او گفت این بود: «دعونی فلاذهب فی هذه الارض العریضه حتی ننظر ما یصیر امر الناس» (طبری، ۱۹۸۸: ۵/۴۱۳-۴۱۴). از طرفی این گفتگو به شکل خصوصی میان حسین بن علی علیه السلام و عمر بن سعد اتفاق افتاده و روایت گفت‌وگوهای میان آن دو، تنها حدس یاران دو طرف بوده است. همانطور که طبری به جز روایت سه پیشنهاد مذکور، محتوای این گفت‌وگو را به نقل از دیگری، پیرامون نگرانی عمر بن سعد برای از دست دادن اموالش در صورت پذیرش پیشنهاد حسین بن علی عنوان می‌کند (برای تفصیل بیشتر درباره این گفت‌وگوها، نک. طبری، ۱۹۸۸: ۵/۴۱۳). همچنین به هنگامی که عمر بن سعد پیشنهاد ابن زیاد مبنی بر تسلیم شدن حسین علیه السلام را به او گفت، حسین علیه السلام چنین پاسخ داد: «والله لا أضع یدی فی ید ابن مرجانه ابداً» (سبط بن جوزی، ۲۰۱۳: ۱۴۱-۱۴۲). منشأ این‌گونه شایعات را بایست شخص عمر بن سعد دانست؛ هرچند آن را می‌توان توطئه‌ای علیه امام علیه السلام دانست که به دنبال تخریب چهره ایشان بود.

در استفاده از منابع تاریخی نیز نجم حیدر از تاریخ طبری با وجود روایت های فراوان در زمینه عاشورا بهره چندانی نبرده و در مقابل منابع کمتر مهمی چون المصابیح احمد بن ابراهیم را اساس کار خود قرار داده است. همچنین در فهرست منابع او کتاب نجوم الزاهره ابن تغری بردی و الافاده یحیی بن حسین آمده است اما در متن مقاله ارجاعی به آنها دیده نمی شود. در بحث درباره منابع متأخر درباره واقعه عاشورا که به ابعاد غیرتاریخی واقعه پرداخته اند، علاوه بر کتاب روضه الخوانی که نویسنده به آن اشاره کرده است، باید از روضه الشهداء ملاحسین واعظ کاشفی یاد کرد که پیش از آن نوشته شده و تحریفاتی از طریق آن به واقعه عاشورا راه یافته است. از جمله این موارد می توان به شهادت هاشم بن عتبہ در کربلا اشاره کرد (کاشفی، ۱۳۴۹: ۴۰۲-۴۰۵)؛ در حالی که او سال ها قبل در نبرد صفین به شهادت رسیده بود (در این باره نک. گوهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

نتیجه

مدخل «حسین بن علی» در ویراست سوم دایرةالمعارف اسلام به قلم نجم حیدر، با وجود اختصار و یکپارچگی متن، خالی از اشتباهات و کج فهمی های نویسنده نیست. بررسی ها نشان می دهد که حیدر در مواجهه با روایت های تاریخی، به صورت گزینشی از آنها بهره برده است و تلاشی برای سنجش وثاقت آنها ندارد. همین امر سبب شده تا مطالب نادرستی به مقاله او راه یابد که از مهم ترین آنها می توان به تفسیر نادرست از آیه تطهیر، تحلیل اشتباه مبنی بر مخالفت امام حسین علیه السلام با بیعت برادرش با معاویه و دیدگاه نادرست درباره بیعت نکردن امام حسین علیه السلام با یزید اشاره کرد. همچنین ذکر برخی روایت های جعلی نظیر سخن فرزندق به امام علیه السلام درباره مردم کوفه که «قلوبهم معک و سیوفهم علیک» و پیش بینی پیامبر صلی الله علیه و آله از قیام عاشورا که در ظاهر به نفع و در دفاع از قیام حسین بن علی علیه السلام نقل شده اما در لایه های پنهانی سعی در کاستن اهمیت قیام عاشورا و نقش بنی امیه در وقوع آن دارد، از جمله کاستی های مقاله نجم حیدر به شمار می رود.

منابع

- قرآن کریم
- ابن جوزی، المنتظم، تصحیح محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، ۱۹۹۲.
- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم: موسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ابن قتیبه، الامامة والسياسة، تصحیح علی شیری، قم، ۱۹۵۱.
- ابن نما حلی، مثير الاحزان و منیر سبیل الاشجان، قم: موسسه امام مهدی، ۱۴۰۶ ق.
- احمد بن ابراهیم، المصایح، تصحیح عبدالله بن عبدالله بن احمد حوثی، امان: بی نا، ۲۰۰۲.
- اسفندیاری، محمد، «نقد مشهورات»، آینه پژوهش، ش ۱۵۵، آذر و دی ۱۳۹۴، صص ۵-۱۵.
- اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، تصحیح احمد صقر، قاهره، ۱۹۴۹.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تصحیح محمود فردوس العظم، دمشق، ۱۹۹۶.
- بیات، علی و علیرضا عسکر (۱۳۸۳)، «آنچه خود داشت؛ نقدی بر مقاله امام حسین در دایره المعارف اسلام»، نشریه حوزه و دانشگاه، ش ۳۳، ۱۶۹-۱۷۸.
- دینوری، اخبار الطوال، تصحیح عبدالمنعم عامر، قاهره، ۱۹۶۰.
- سبط بن جوزی، مرات الزمان، تصحیح کامل سلمان جبوری، بیروت، ۲۰۱۳.
- مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، بیروت، ۱۹۸۸.
- عدالت نژاد، سعید، «دایره المعارف اسلام»، در دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۹۳.
- کاشفی، ملاحسین (۱۳۴۹)، روضه الشهداء، به کوشش ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.

- گوهری، مصطفی و دیگران، «روضه الشهداء از روایات مجعول تا تأثیرگذاری - بررسی علل ورود اخبار ضعیف تاریخی به این کتاب»، تاریخ و فرهنگ، ش ۸۶/۴، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۹۵-۱۲۰.

- یعقوبی، تاریخ، به کوشش عبدالامیر علی مهنا، بیروت، ۱۹۸۰.

- Berg, Herbert, "Abbasid Historian's Portrayals of al-'Abbās b. 'Abd al-Muṭṭalib", *Abbasid Studies II: Occasional Papers of the School of - Abbasid Studies*, Leuven, 28 June – 1 July 2004, edited by John Nawas (Leuven: Peeters Publishers, 2010), 13–38.
- Najam Haider, I., "al-Ḥusayn b. 'Alī b. Abī Ṭālib", *Encyclopaedia of Islam*, 3rd Edition, Edited by: Kate Fleet, Gudrun Krämer, Denis Matringe, John Nawas, and Everett Rowson. Consulted online on 26 June 2016.
- Najam Haider, I., *Shi'i Islam: An Introduction (Introduction to Religion)*, Cambridge Press, 2014.
- Madelung, Wilferd, "Ḥusayn b. 'Alī", *Encyclopaedia Iranica*, Vol 12, Fasc. 5, 2004, p. 493-498.
- Vaglieri, Veccia, "Hussayn Ibn Ali Ibn Abi Talib", *Encyclopedia of Islam*, Edition 2, Leiden: Brill, 1986.

